

هامون ایران

تارنمای جامعه مدنی جنوب ایران

اکوتوریسم؛ بهره‌کشی نوین از طبیعت: مقاله‌ای از میلاد جنت

اسماعیل حسام مقدم, Tuesday, December 5th, 2017

اکوتوریسم؛ بهره‌کشی نوین از طبیعت

میلاد جنت

اکوتوریسم، بوم‌گردشگری یا طبیعت‌گردی، نوعی از گردشگری است که در آن گردشگران برای دیدار از مناطق طبیعی نامسکون و دست‌نخورده‌ی جهان سفر می‌کنند تا به تماشای گونه‌های متفاوت جانوری-گیاهی بپردازند. از اوایل سال ۱۹۹۱ میلادی اکوتوریسم به عنوان ابزاری برای مفهوم توسعه‌ی پایدار توسط سازمان‌های غیردولتی، کارشناسان توسعه و مراکز دانشگاهی مطرح و مورد مطالعه قرار گرفت بنابر این اصطلاح اکوتوریسم هم به عنوان یک مفهوم و هم به صورت شاخه‌ای از اقتصاد تعریف می‌شود. تعریفی که انجمن بین‌المللی اکوتوریسم (T.I.E.S) در سال ۱۹۹۱ از اکوتوریسم ارائه می‌دهد، چنین است: «طبیعت‌گردی سفری مسئولانه به مناطق طبیعی است که در آن، محیط زیست حفظ و بر رفاه مردم بومی تأکید می‌شود.»

با توجه به تعریفی که این انجمن در راستای حفاظت از طبیعت و حمایت از جوامع محلی ارائه می‌دهد چنین به نظر می‌رسد که توسعه‌ی پایدار، برنامه‌های پیشبردی و کاملی را برای چرخه‌های بازیابی از طبیعت، بهره‌وری از انرژی، محافظت از منابع آبی و ایجاد فرصت‌های اقتصادی برای مردم محلی در نظر دارد اما با نگاهی گذرا به وضعیت زیست‌بوم جهانی، متأسفانه شاهد این واقعیت هستیم که سلطه‌ی اقتصادی دولت‌های عصر «امپراتوری سرمایه» باعث شده است که فعالیت سوخت و سازانه‌ی بشر با محیط زیست پیرامونش، جای خود را به بهره‌کشی یک سویه و تخریب‌گر انسان از محیط زیست بدهد. بحران زیست‌محیطی نمایان‌گر این واقعیت است که فشارهای وارده بر طبیعت از این پس به قدری شدید است که ثبات آن را به خطر انداخته است. پدیده‌ی ویرانی محیط زیست به واسطه‌ی اعمال انسان به وجود آمده و از این پس انسان در شرایطی که خود به وجود آورده است، باید نتایج دشوار و پر رنج آن را متحمل گردد و هر چه زودتر منابع این بحران تهدید‌آمیز را کشف نموده و پیش از آنکه این تهدیدها موفق شوند محیط زیست را به سوی ویرانی سوق دهند، آن‌ها را از بین ببرد. به این ترتیب به ویژگی‌های پیچیده‌ی طبیعت، پیچیدگی‌های غیرمنتظره‌ی ناشی از فعالیت‌های انسان نیز اضافه می‌گردد بنابر این پیش از هر چیز باید مشخص کرد که چه روابطی بین محیط-زیست و فعالیت‌های انسان وجود دارد و این فعالیت‌ها تا چه حد بر روی شرایط محیط زیست اثر می‌گذارند.

علم توانسته است به ما قوانین طبیعت را بشناساند و تکنولوژی این شناخت تئوریک را به عمل آورده است؛ تولیدات کشاورزی و صنعتی که نتیجه‌ی کارکرد توأمان این دو ابزار بشری است، از کره‌ی زمین، ثروت آن را بیرون می‌کشد تا سیستم‌های اقتصادی توزیع و مبادله، موارد استفاده از این ثروت‌ها را کنترل کنند و به مرحله‌ی مصرف برسانند. در نهایت این عملکرد سیستم اقتصادی است که اجازه می‌دهد از منابع زیست-محیطی، ثروت استخراج شود زیرا عملی که تولید ثروت می‌کند اگر دارای ارزش مثبتی که از آن انتظار می‌رود نباشد، رشد نمی‌یابد و این ارزش فقط در چارچوب یک سیستم اقتصادی مشخص می‌گردد. قانون‌های جبری نظام بازار در مقیاس جهانی، ضرورت‌های اقتصادی ناشی از رقابت، بیشینه‌سازی سود و انباشت؛ مقدم دانستن کسب سود بر نیازهای انسانی است که باعث شده اند خود باز سازی طبیعت در روند بازتولیدش

نادیده گرفته شوند و ما همواره با نوعی از ناسازگاری در تقاضاهایی که به طبیعت تحمیل می شود، روبرو باشیم.

اتحادیه‌ی جهانی حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی چندی بعد در سال ۱۹۹۱ با بسط تعریف بالا، اکوتوریسم را چنین تعریف کرد:

«اکوتوریسم یک سفر و بازدید زیست محیطی مسئولانه از مناطق طبیعی بکر است که به منظور لذت بردن از طبیعت و درک مواهب آن و ویژگیهای فرهنگی مرتبط با آن انجام می شود، به طوری که باعث ترویج حفاظت گردد و اثرات منفی بسیار کمی از جانب بازدید کنندگان بر محیط به جای گذارد و شرایطی را برای اشتغال و بهره مندی اقتصادی و اجتماعی مردم محلی (بومی) فراهم کند.»

اگرچه بی توجهی به ظرفیت های قابل تحمل محیط زیست که ناشی از سازوکارهای اقتصاد سود محور توسط دولت های سرمایه داری است، علاوه بر آلودگی و تخریب طبیعت باعث تصویب قانون و مقررات توسط فعالان محیط زیست برای استفاده ی عقلانی از آن شده است ولی در کلیت موضوع، همچنان مشکلات محیط زیستی جهان به طور روز افزون رو به وخامت است و بی شک این امر نیز با آینده ی بشری گره خورده است.

طبیعت از دیرباز منبع زیستی-معیشتی انسان ها بوده است. انسان که خود عضوی از طبیعت محسوب می-شود، دنباله ی اجتماعی، خودآگاه و مسلط بر طبیعت است بنابراین انسان، مسئول حفظ بقای خود می باشد و از این رو که هستی انسان نیز در پیوند با محیط زیست پیرامونش گره خورده است در نتیجه او یگانه مسئول حفظ طبیعت است. تسلطی که نه تنها نباید مخرب باشد بلکه باید بازآفرینانه و در راستای بازسازی طبیعت باشد. این یک اصل مسلم و اساسی اکولوژیک است که تمام تغییرات ذهنی انجام گرفته توسط انسان در زمانی که به یک سیستم طبیعی تحمیل می شود قادر است نتایج بسیار وخیمی برای این سیستم به بار آورد در نتیجه بحران زیست محیطی تنها یک مسأله ی ساده اکولوژیک نیست بلکه یک مسأله ی اجتماعی نیز می-باشد. در میان برخی از فعالان محیط زیست، توسعه ی پایدار و رشد اقتصادی یک راه فرار بسیار ساده است. همان طور که پیش تر اشاره شد، از نظر تئوریک دلایل منطقی و محکمی وجود دارد که ثابت می کند رشد اقتصادی و توسعه به خودی خود می تواند علت این بحران فزاینده باشد. بهره برداری از سیستم اکولوژیک که بنیان رشد اقتصادی است نمی تواند تا ابد ادامه یابد و حدودی وجود دارد که فرای آن، گسستگی و نابودی نظام زیست را به دنبال خواهد داشت.

انسان مورد استعمار نظام سرمایه داری در روند خستگی و فرسودگی مداوم زندگی و کار بیگانه شده اش برای فرار از روزمرگی و تکرار، به طبیعت پناه می برد اما فاجعه این جاست که بنگاه های سرمایه داری یعنی آژانس-های مسافرتی و گردشگری که با سرمایه ی اولیه ی مشخص و رانت های خاص دولتی شروع به فعالیت در چارچوب این دولت ها کرده اند؛ نیاز انسان را نیز وسیله ای برای کسب سود قرار می دهند تا از مناطقی که زیر-ساخت اقتصادی ندارند و دارای طبیعتی بکر هستند، در آمد کسب کنند. توسعه ی پایدار، اصطلاح اکوتوریسم را بدون هیچ بررسی پیشینی از رابطه ی انسان با طبیعت وام گرفت و سپس از خود پرسید چگونه این امر میسر می شود؟! چرا که در نهایت تشخیص داد باید سازگاری و توازن در سوی تقاضاهایی که بر طبیعت تحمیل می شود، روی دهد. همانطور که مارکس در کتاب سرمایه اشاره می کند: ریشه ی این اصطلاحات غیرعقلانی در مناسبات تولیدی است و این اصطلاحات بازتاب شکل های پدیداری آن هستند. علاوه بر این، می دانیم که در تمامی علوم، به غیر از اقتصاد سیاسی، باید میان نمود چیز ها و واقعیت شان تمایز قایل شد.

این نوع تفکر و برداشت عملی که وظیفه اش تضمین سود شرکت های چند ملیتی جهان است کاملاً قابل درک است زیرا انجمن های غیر مردم نهاد و بدون نظارت بشری عملاً خود بنگاه های سرمایه داری هستند و از تهیه ی چنین اصطلاحات عوام فریبانه با بار مثبت روان شناختی که در نهایت تضمین کننده ی سود شرکت ها ست، سالانه میلیارد ها دلار سود می برند. در حقیقت اکوتوریسم برای جوامع علمی در چنین بستر اقتصادی سود-محور، آرمانی است که مشکل می توان به آن رسید و بیشتر یک اصطلاح فریبنده است تا نظریه ای قابل اجرا. بنابر این اکوتوریسم را به دلیل تضاد ی که در نحوه ی اجرای آن از تئوری تا عمل به همراه دارد، می توان بهره کشی نوین از طبیعت دانست.

This entry was posted on Tuesday, December 5th, 2017 at 7:46 pm and is filed under **اقليم و بوم**, اندیشه فرهنگی, روستا و عشایر, زندگی روزمره, شهر, مدیریت فرهنگی, مقاله و یادداشت
You can follow any responses to this entry through the [Comments \(RSS\)](#) feed. You can

leave a response, or [trackback](#) from your own site.